

سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی

دکتر علی سوری*

تاریخ دریافت ۸۳/۶/۱۵ تاریخ پذیرش ۸۳/۸/۲۳

چکیده

موضوع سرمایه اجتماعی طی سال‌های اخیر وارد مباحث اقتصادی شده و در کنار سرمایه‌های فیزیکی و انسانی مورد توجه جدی قرار گرفته است. در اینجا با مروری بر مفاهیم و تعاریف سرمایه اجتماعی و رابطه آن با عملکرد اقتصادی به یک بحث تجربی در رابطه با اقتصاد ایران می‌پردازیم. ابتدا سرمایه اجتماعی را بر اساس کارکرد آن که (و این کمبودش موجب افزایش جرایم و تخلفات می‌شود) اندازه‌گیری کرده و سپس آثار آن را بر دو متغیر مهم رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خصوصی بررسی می‌کنیم. نتایج حاصله نشان می‌دهد که شاخص کاهش سرمایه اجتماعی رابطه منفی و کاملاً معنی‌دار با رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد.

طبقه‌بندی JEL: Z13

کلید واژه: سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی.

۱- مقدمه

این مقاله به سرمایه اجتماعی و پی‌آمدهای اقتصادی آن می‌پردازد. هر چند در

* عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا.

این راستا مشکلات فراوانی به‌ویژه در رابطه با اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی وجود دارد، ولی به‌هرحال این شیوه از تحلیل می‌تواند مقدمه‌ای بر چنین بحثی باشد. بدیهی است که این بحث را می‌توان با گردآوری آمارهای دقیق‌تری از سرمایه اجتماعی پی‌گیری کرد و نتایج جالب‌تری به‌دست آورد. در بخش (۲) این مقاله ابتدا مفهوم سرمایه اجتماعی و تعاریف مختلف آن بررسی می‌شود و سپس در بخش (۳) مشکلات اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را بررسی کرده و مروری بر وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران طی سال‌های اخیر خواهد شد. در بخش (۴) نظریه‌ها و مدل مربوط به سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر عملکرد اقتصادی بر اساس دو معیار رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بررسی می‌شود. در بخش (۵) نیز تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی در ایران بررسی و تحلیل خواهد شد. بالاخره در بخش (۶) خلاصه و نتیجه‌گیری مباحث ارائه خواهد شد.

۲- مفهوم سرمایه اجتماعی

طبق تابع تولید نئوکلاسیکی، مقدار تولید تابعی از سرمایه و نیروی کار است. فرض ضمنی نظریه نئوکلاسیکی این است که هزینه‌های معاملاتی وجود ندارد یا ناچیز است. در چنین فضایی هر مدیری با ترکیب عوامل تولید (کار و سرمایه) کالای مورد نظر خود را تولید می‌کند. این نگرش شدیداً وابسته به پیش‌فرض‌های خاص خود است که طبق آن دولتی وجود دارد که چهارچوبی را برای فعالیت‌های اقتصادی تعریف کرده و از آن حفاظت می‌کند. اگر مشکلی برای تولیدکنندگان پیش آید، آنها در آن چهارچوب به‌سادگی به حل و فصل آن خواهند پرداخت. در این دیدگاه سرمایه شامل سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی است. اما نکته مهم این است که بنگاه تولیدی برای تولید محصول خود علاوه بر این که به ترکیب عوامل تولید می‌پردازد با واقعیت دیگری نیز مواجه است. امروزه یک بنگاه تولیدی مجموعه‌ای از قراردادهای است: قرارداد با کارگران، قرار داد با تهیه‌کننده مواد اولیه، قرارداد با خریداران محصولات، قرارداد با وام‌دهندگان و ... هر چند گاهی ممکن است یک معامله بین طرفین فقط یکبار صورت بگیرد، ولی معمولاً طبق چنین قراردادهایی معامله‌ها و توافق‌ها حالت تکراری دارند. مانند فروش محصولات بنگاه به یک فروشگاه بزرگ، حاضر شدن کارگران بر سر کار، خرید مواد اولیه از تولیدکننده مواد اولیه. اما برخی از این قراردادها صریح یا قانونی و برخی نیز به صورت ضمنی یا نانوشته‌اند. به عنوان مثال یک کارگر با کارفرما دارای قرارداد نوشته شده و صریحی است که طبق آن کارگر بر سرکار حاضر می‌شود و مبلغی را ماهیانه دریافت می‌کند. اما قرارداد ضمنی آنها این است که کارگر «کم‌کاری» نکند. بدیهی است که طرفین از مناسب بودن و منصفانه بودن این قراردادها سود می‌برند. از طرف دیگر اجرای این قراردادها اگر هزینه کمتری داشته باشد به نفع طرفین است. بنابراین یک بنگاه در صورتی موفقیت بیشتری خواهد داشت که بتواند این قراردادها را با کمترین «هزینه‌های معاملاتی» اجرا کند. ولی بدیهی است که برای اجرای قراردادها به‌ویژه قراردادهای ضمنی، بنگاه نمی‌تواند همه ابزار لازم را در اختیار

بگیرد. به عنوان مثال «عدم کم کاری» یک قرارداد ضمنی است. اگر بنگاه بخواهد کارگران خود را به طور کامل کنترل کند تا کم کاری نکنند بسیار پرهزینه خواهد بود. زیرا این موضوع صرفاً بر مبنای «اعتماد» قرار دارد. هرچه میزان اعتماد کاهش یابد هزینه بنگاه برای جلوگیری از کم کاری (به عبارت دیگر هزینه اجرای این قرارداد ضمنی) افزایش می یابد. بنابراین گفته می شود که علاوه بر عوامل تولید مرسوم، به عامل دیگری به نام «سرمایه اجتماعی» نیاز است.

سرمایه یکی از تعیین کننده های مهم رشد اقتصادی است. بهبود در کیفیت ابزارها و ماشین آلات، بهره وری نیروی کار را افزایش می دهد و از این طریق رفاه را بهبود می بخشد. اما سرمایه فقط جنبه فیزیکی ندارد. سرمایه انسانی که به شکل مهارت ها، آموزش و تعلیم و کارآموزی تحقق می یابد نیز جزء مهم تولید و بهره وری است (بکر، ۱۹۶۴). چگونگی و مهارت در فناوری کسب و کار نیز جنبه دیگری از سرمایه است (رومر، ۱۹۹۰). مشابه این، کلمن (۱۹۹۰) و پوتنام، لئوناردی و نانتی (۱۹۹۳) اشاره می کنند که ساختار اجتماعی یکی از تعیین کننده های مهم ارتقای بهره وری فعالیت های اقتصادی است. روابط بین افراد، هنجارها و سنت ها به تسهیل هماهنگی و همکاری کمک می کند که خود موجب افزایش بهره وری می شود. نوع اخیر سرمایه مرسوم به سرمایه اجتماعی است که برای آن، هانیفن در سال ۱۹۱۶ واژه سرمایه را (برای روشن ساختن اهمیت ساختار اجتماعی برای افرادی که وارد روابط اقتصادی و کسب و کار می شوند) به کار برد.

جین جاکوب در اثر کلاسیک خود «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱)» توضیح داده بود که شبکه های اجتماعی فشرده در محدوده های حوزه قدیمی شهر و مختلط شهری صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی پلیس، مسؤولیت بیشتری از خود نشان می دهند (فوکویاما، ۱۹۹۷، ص ۱۰). این بحث را گلن لوری در دهه ۱۹۷۰ وارد حیطه اقتصادی می کند. در دهه ۱۹۸۰ این اصطلاح توسط جیمز کلمن و رابرت پوتنام به طور جدی تری مورد استفاده قرار گرفت (فوکویاما، ۱۹۹۷، ص ۱۰). در تمامی تعاریفی که درباره سرمایه اجتماعی وجود دارد، تأکید بر این است که وسیله ای برای رسیدن به اهداف و منافع فردی و گروهی و جامعه محسوب می شود. سرمایه اجتماعی را می توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند (فوکویاما، ۱۹۹۷، ص ۱۱).

نظریه سرمایه اجتماعی از عقاید پیوریور و جیمز کلمن نشأت می گیرد که بر اهمیت روابط اجتماعی و هنجارهای مشترک رفاه اجتماعی و کارآمدی اقتصادی تأکید می کنند. رابرت پوتنام در کتاب «کارکرد دموکراسی ها» و «بولینگ یک نفره» به توسعه مفهوم سرمایه اجتماعی می پردازد. از نظر وی سرمایه اجتماعی، روابط بین افراد، شبکه های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی است که از این طریق حاصل می شود. این روابط، وظایف و مسؤولیت های متقابل همراه با هنجارهای عمومی را به وجود می آورد، به نحوی که اوضاع را برای همکاری، مشارکت و تعاون در

راستای ایجاد منافع جمعی بهبود می‌بخشد. چنانچه سرمایه اجتماعی موجب تسهیل در کسب نتایج عمومی و ایجاد خوی همکاری شود، منطقی است که آن را به‌عنوان موجد یا همسنگ سرمایه مادی و انسانی در نظر بگیریم (پور موسوی، ۱۳۸۱ به نقل از پوتنام^۱، ۱۹۹۳). از نظر کلمن^۲ (۱۹۹۰) سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به‌عنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. سرمایه اجتماعی مجموعه نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی و سنت‌ها و قواعد رفتاری یک جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می‌دهد (رنانی، ۱۳۸۱). کاهش سرمایه اجتماعی به معنی کاهش «اعتماد» است که هزینه‌های معاملاتی را به‌شدت افزایش می‌دهد. به‌عنوان مثال برای خرید یک کالا مجبورید ساعت‌ها وقت صرف کنید. یا با فروشنده بر سر قیمت، چانه زنی کنید. زیرا شما اعتماد ندارید که فروشنده قیمت واقعی را اعلام کند و فروشنده نیز چون اعتماد ندارد که خریدار حاضر به پرداخت قیمت واقعی باشد او نیز قیمت بالاتری را اعلام می‌کند. بنابراین حتی برای اجرای قراردادهای نوشته شده نیز نیاز به صرف هزینه‌های گزاف خواهد بود.

۳ - اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

از آنجایی که سرمایه اجتماعی دارای جنبه کیفی است، پس اندازه‌گیری آن بسیار مشکل است. اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی با موضوعاتی مانند اعتماد، شرکت داوطلبانه در انجمن‌ها و مؤسسات خیریه، عضویت در تشکل‌ها و باشگاه‌ها و غیره مرتبط است. در واقع سرمایه اجتماعی فضای روابط بین افراد در محله و شهر، محیط کار، روابط بین دولت و مردم را توصیف می‌کند که اندازه‌گیری آن بسیار پیچیده خواهد بود. بدیهی است که در این زمینه‌ها اطلاعات آماری مناسبی در دسترس نیست. مطالعات میدانی بسیاری در برخی کشورها برای سنجش سرمایه اجتماعی صورت گرفته که بر هریک از آنها اشکالاتی نیز وارد شده است.

اما می‌توان موضوع را از جنبه دیگری ملاحظه کرد. به‌جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک ارزش مثبت، می‌توان «نبود سرمایه اجتماعی» یا به عبارت دیگر انحرافات اجتماعی از قبیل جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از مالیات و موارد مشابه را اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز به‌طور بالفعل بازتاب «نبود سرمایه اجتماعی» خواهد بود (فوکویاما، ۱۹۹۷، ص ۱۹).

بنابراین در این مطالعه به‌جای اندازه‌گیری مستقیم سرمایه اجتماعی از داده‌هایی استفاده می‌کنیم که بیانگر میزان کاهش سرمایه اجتماعی است. پس وضعیت سرمایه اجتماعی را بر حسب آمار و ارقام موجود در رابطه با جرایم و تخلفات مختلف بررسی می‌کنیم. جدول (۱) نرخ رشد سالانه برخی از جرایم و تخلفات را که بر حسب جمعیت کشور تعدیل شده است، برای دوره‌های مختلف نشان می‌دهد. ارقام مذکور بیانگر این است که پرونده‌های بررسی شده راجع به تخلفات مختلف،

1- Putnam.
2- Coleman.

به‌ویژه در دوره ۸۱-۱۳۷۵ دارای نرخ رشد نسبتاً بالایی بوده است. به‌گونه‌ای که کل پرونده‌های بررسی شده سرانه در دوره ۷۵-۱۳۶۵ سالانه ۲/۳۸ درصد و در دوره ۸۱-۱۳۷۵ حدود ۸/۵ درصد رشد داشته است. هریک از این تخلفات بیانگر کاهش سرمایه اجتماعی هستند. به عبارت دیگر همان‌طور که اشاره شد، تخریب سرمایه اجتماعی در نهایت منجر به عدم پای‌بندی به قراردادهای می‌شود. به‌عنوان مثال بین موجر و مستأجر یک قرارداد صریح و قانونی وجود دارد که در صورت قبول آن قرارداد و همچنین پای‌بندی به جنبه‌های نانوشته آن، نباید ارجاعی به سیستم قضایی به‌وجود بیاید. همین وضعیت در رابطه با تخلفات رانندگی وجود دارد. زیرا در رانندگی مردم به‌طور ضمنی و قبل از ورود به صحنه رانندگی، پذیرفته‌اند که قواعد آن را رعایت کنند. وجود سرمایه اجتماعی باعث می‌شود که میزان تخلفات رانندگی حتی بدون وجود پلیس کاهش یابد. سایر موارد نیز همین وضعیت را دارند. به‌عنوان مثال اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری خود نوعی از کاهش سرمایه اجتماعی را به نمایش می‌گذارند.

جدول ۱- نرخ رشد پرونده‌های بررسی شده سرانه در محاکم قضایی (متوسط سالانه - درصد)

نوع پرونده	۱۳۶۷-۷۵	۱۳۷۰-۸۱	۱۳۷۵-۸۱
قتل عمد	-	-	۷/۷۹
موجر و مستأجر	۰/۳	۲/۷۱	۶/۷۶
جرایم اطفال	۰/۰۷	۵/۸۹	۱۵/۵۳
قتل غیر عمد	-	-	۶/۱۶
ضرب و جرح	-	۳/۷۵	۹/۲۷
تخلفات رانندگی	-	-	۱۵/۵۰
پرونده‌های شهرداری	-	-	۱۵/۴۵
سرقت	۲/۵۶	۵/۷۹	۱۲/۴۹
تصرف عدوانی	۱/۲۱	۵/۷۳	۱۰/۳۰
چک‌های بلامحل	۱۳/۷۳	۸/۲۸	۷/۴۱
اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری	۶/۵۶	۱۰/۷۵	۱۵/۹۷
کل	۲/۳۸	۵/۷۶	۸/۴۹

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری و گزارش عملکرد قوه قضاییه، دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف

جدول (۲) نیز نرخ رشد سالانه پرونده‌های تشکیل شده در حوزه استحضایی نیروی انتظامی را نشان می‌دهد که بر حسب جمعیت تعدیل شده است. بدیهی است که پرونده‌های بررسی شده در یک سال مربوط به تخلفات آن سال و سال‌های گذشته است، پس پرونده‌های تشکیل شده که مربوط به سال مورد نظر است، می‌تواند گویاتر باشد. همان‌گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد، طی دوره ۸۱-۱۳۷۰، تخلفات و جرایم مختلف دارای نرخ رشد‌های نسبتاً بالایی بوده‌اند به گونه‌ای که نرخ رشد تصادفات و مرگ‌های اتفاقی حدود ۸/۵ درصد، ضرب و جرح ۱۳/۸۹، قتل عمد ۳/۷۶ و قتل غیر عمد ۱۷/۱ درصد بوده است.

جدول ۲- نرخ رشد پرونده‌های تشکیل شده در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی
(متوسط سالانه - درصد)

۱۳۷۰-۸۱	نوع پرونده
۳/۷۶	قتل عمد
۱۷/۱۰	قتل غیر عمد
۱۳/۸۹	ضرب و جرح
۶/۶۱	خودکشی
۸/۴	مرگ‌های اتفاقی
۸/۵۰	تصادفات

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری

هم‌چنین جدول (۳) نرخ رشد پرونده‌های تشکیل شده در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی در رابطه با انواع سرقت را برای دوره ۸۰-۱۳۷۵ نشان می‌دهد که بر حسب جمعیت تعدیل شده است. این ارقام نشان می‌دهد که هریک از انواع سرقت با نرخ رشد نسبتاً بالایی در حال افزایش بوده‌اند. بدیهی است که سرقت از اماکن تجاری و صنعتی موجب افزایش هزینه تولید شده و دارای تأثیر منفی بر تولید است. به عبارت دقیقتر میزان سرقت بیانگر میزان تعرض به حق مالکیت است.

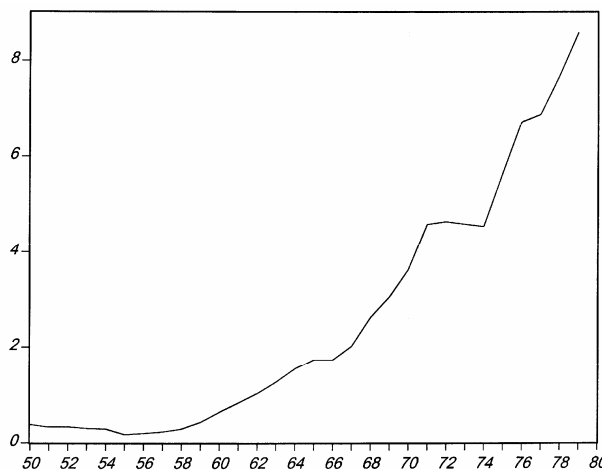
جدول ۳- نرخ رشد پرونده‌های تشکیل شده سرانه در رابطه با سرقت در حوزه استحفاظی نیروی انتظامی
(متوسط سالانه - درصد)

۱۳۷۵ - ۸۰	نوع سرقت
۳/۶۵	سرقت از اماکن دولتی
۹/۷۳	سرقت از منازل
۸/۲۳	سرقت از مغازه‌ها
۱۰/۲۸	سرقت از مراکز صنعتی و تجاری
۱۳/۴۵	سرقت احشام

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری

نمودار (۱) تعداد پرونده‌های بررسی شده در رابطه با چک‌های بلامحل به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت را نشان می‌دهد. این نمودار بیانگر افزایش تعداد پرونده‌های بررسی شده در رابطه با چک‌های بلامحل است که می‌تواند شاخصی برای کاهش سرمایه اجتماعی باشد. در اینجا از تعداد پرونده‌های بررسی شده در رابطه با چک‌های بلامحل به‌عنوان معیاری از کاهش سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنیم. زیرا داده‌های بهتری راجع به آن وجود داشت و هم‌چنین به دلیل تسریع در

رسیدگی به پرونده چک‌ها، معمولاً چک‌های بلامحل در همان سال بررسی می‌شوند در حالی که در جرایم دیگر، بسیاری از پرونده‌هایی که در یک سال بررسی می‌شوند مربوط به سال‌های گذشته هستند. بنابراین تعداد چک‌های بلامحل در یک سال تقریباً با تعداد پرونده‌های بررسی شده در همان سال برابر است. از طرف دیگر چک بیانگر اعتماد دو طرفه است و چک بلامحل یعنی این که یکی از طرفین به دنبال سوءاستفاده یک طرفه از این اعتماد است. نکته دیگر این که چک وسیله‌ای برای تسهیل مبادلات اقتصادی است و عمدتاً در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی بوده و بهتر از شاخص‌های دیگر می‌توان وضعیت کاهش سرمایه اجتماعی را در کشور نشان دهد.



نمودار ۱- تعداد پرونده‌های بررسی شده چک‌های بلامحل به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت

۴- سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: نظریه‌ها و مدل

این موضوع که چرا رشد تولید ناخالص ملی در بین کشورهای مختلف، متفاوت است معمای رشد نامیده شده است. به طوری که حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد از رشد را نمی‌توان توسط عوامل تولید تبیین کرد. این رشد توضیح داده نشده را به بهره‌وری عوامل تولید نسبت می‌دهند. اما سؤال اساسی این است که آیا این یک مائده آسمانی است یا به هر حال دارای منشأ مشخصی است. هرچند که آن را تحت عنوان پیشرفت فناوری می‌نامند ولی با توجه به قابلیت دسترسی به فناوری، چرا همه کشورها توان دسترسی به آن را ندارند. (نورث، ۱۹۹۰) نقش نهادهای رسمی و غیر رسمی را در تبیین و فهم عملکرد اقتصادی بسیار مهم می‌داند که یکی از مفاهیم مهم در این راستا سرمایه اجتماعی است که نقش آن در عملکرد اقتصادی یک کشور، یک منطقه، یک گروه و حتی یک بنگاه بسیار مهم است. این در حالی است که مدل رشد نئوکلاسیکی سولو تغییر فناوری را به صورت پسماند یا توضیح داده نشده در نظر می‌گیرد. برای تبیین رشد توضیح داده نشده، اخیراً برخی مباحث متوجه سرمایه اجتماعی و توانایی اجتماعی شده است که می‌تواند تبیین بهتری برای رشد اقتصادی باشد (تمپل^۳، ۱۹۹۹). مطالعات بین کشوری نشان می‌دهد که بین رشد اقتصادی و

3- Temple.

سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. برخی مطالعات بیانگر این است که اعتماد یک متغیر کلیدی در تبیین رشد اقتصادی است (ناک، ۲۰۰۲). برخی مطالعات نیز به سرمایه اجتماعی دولت پرداخته‌اند که بیانگر آزادی شهروندان، آزادی سیاسی، تعدد انتخابات، ریسک سیاسی و ... است. به‌عنوان مثال این مطالعات دریافته‌اند که عدم اعتماد بین دولت و مردم موجب کاهش معناداری در رشد اقتصادی شده است (گریر و تیولاک^۴، ۱۹۸۹). از طرف دیگر مطالعاتی نیز به بررسی اعتماد بین مردم و اثر آن بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. در یک مطالعه این نتیجه به‌دست آمده است که ۱۲ درصد افزایش در اعتماد بین مردم موجب افزایش یک درصدی درآمد سالانه می‌شود (ناک و کیفر^۵، ۱۹۹۷). هم‌چنین مطالعه دیگری برای دوره ۱۹۷۰-۹۳ دریافت که اعتماد بین مردم رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی دارد (لاپورتا، ۱۹۹۷). مطالعات مقطعی بین کشوری حاکی از ارتباط قوی بین اعتماد و رشد است. این نتیجه موجب تقویت یافته‌های قبلی شد که حتی در کوتاه مدت بین اعتماد و رشد رابطه معناداری وجود دارد. در سطح روستاها مطالعات نشان می‌دهد که صداقت، وفاداری و همپاری در بین مردم فقیر زیاد است و بسیاری از کاستی‌ها را پوشش می‌دهد. از آنجایی که سرمایه اجتماعی می‌تواند حقوق مالکیت را تضمین کند، گفته می‌شود که وجود سرمایه اجتماعی، در اغلب موارد به نفع ثروتمندان است، زیرا آنها دارایی‌های بیشتری برای از دست دادن دارند. اما این که واقعاً سرمایه اجتماعی به نفع فقرا است یا ثروتمندان، نمی‌توان به آن جواب قطعی داد، ولی مسلم است که هر یک از آن نفع می‌برند. یکی از مطالعاتی که در سطح خانواده صورت گرفته است نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی به‌طور معناداری احتمال فقیر بودن یک خانواده فقیر را ۷/۳۶ درصد کاهش و در مقابل احتمال ثروتمند شدن را در بین ثروتمندان فقط ۴ درصد افزایش می‌دهد. هم‌چنین یک تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که این عامل بیشترین تأثیر مثبت را بر فقیرترین خانوارها داشته است (گروتارت^۶، ۲۰۰۲). این امر می‌تواند بدین دلیل باشد که شفاف‌سازی قراردادها و حفاظت از حقوق مالکیت و ایجاد فضای اعتماد از طرف دولت، به فقرا کمک می‌کند که در سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری کنند و به بنگاه‌ها اجازه می‌دهد که از بخش غیر رسمی وارد بخش رسمی شوند (سوتو، ۱۹۸۹).

گیوسو، لویی‌جی و زینگالس (۲۰۰۱) سرمایه اجتماعی را با استفاده از شاخص‌های متعددی از قبیل سطح مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها، حضور در انتخابات و روابط شهروندی اندازه‌گیری کردند. آنها دریافتند که در ایتالیا، سطح سرمایه اجتماعی کاملاً با توسعه مالی ارتباط دارد و در جایی که سرمایه اجتماعی بیشتر است، افراد سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در بازار سهام انجام می‌دهند و دستیابی بیشتری به مؤسسات مالی رسمی دارند. مشابه آن، هونگ و استین (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که در آمریکا افرادی که همسایگان خود را می‌شناسند نرخ‌های مشارکت بالاتری در بازار سهام دارند. پوتنام، لئوناردی و نانتی (۱۹۹۳) بیان می‌دارند که موفقیت و شکست دولت‌های ایالتی در ایتالیا را می‌توان توسط سرمایه اجتماعی توضیح داد. آنها دریافتند که سرمایه

4- Grier and Tullock.

5- Knack and Keefer.

6- Grootaert.

اجتماعی برای وجود یک دولت خوب ضروری است. هم چنین به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی بر اقتصاد و توسعه مالی تأثیر دارد.

به هر حال هر اقتصادی تمامی سرمایه‌های خود از جمله سرمایه اجتماعی را به کار می‌گیرد و به تولید کالاها و خدمات می‌پردازد. همچنانکه اقتصاد با تخریب سرمایه‌های طبیعی جلو می‌رود به تخریب سرمایه اجتماعی نیز می‌پردازد. ولی تجربه نشان داده است که در مراحل ابتدایی توسعه، اغلب کشورها با تخریب منابع طبیعی از جمله محیط زیست به رشدهای بالایی رسیده‌اند و سپس شروع به بازسازی این سرمایه‌ها کردند. در مورد سرمایه اجتماعی نیز چنین است. وقتی اقتصادها وارد مراحل رشد و توسعه خود می‌شوند، به روابط پیچیده‌تری نیاز دارند. در این روابط پیچیده، سرمایه اجتماعی که بیانگر الگوی روابط بین افراد گروه‌ها و نهادها است به کار گرفته می‌شود و ممکن است دچار تخریب شود. به‌ویژه پایه اصلی آن که در اعتماد استوار است، به شدت آسیب ببیند ولی ممکن است موجب رشدهای بالایی نیز بشود. اما به مرور که تخریب آن تشدید می‌شود روابط بین مردم دچار آسیب می‌شود و به شدت هزینه‌های معاملاتی را افزایش می‌دهد و موجب کندی رشد می‌شود. دقیقاً همان سرنوشت سرمایه‌های طبیعی برای سرمایه اجتماعی هم رخ می‌دهد.

به عبارت ساده‌تر دو نفر که به هم اعتماد کامل دارند، دارای سرمایه اجتماعی بالایی هستند. وقتی این دو با هم وارد یک فعالیت اقتصادی مشترک می‌شوند، یکی ممکن است به نفع خود سرمایه اجتماعی را تخریب کند و از اعتماد طرف دوم سوء استفاده کند. بدبختی است وی که اولین تخریب کننده سرمایه اجتماعی است به نفع بالایی دست می‌یابد ولی بعد از مرحله‌ای، نفع او سیر نزولی پیدا می‌کند. دولت نیز همین وضعیت را دارد. تا زمانی که مردم به سیاست و اقدامات دولت اعتماد دارند، دولت می‌تواند با تخریب این اعتماد دستاوردهای مورد نظر خود را خیلی سریع به دست آورد. اما بعد از آن چنین چیزی وجود نخواهد داشت و حتی دولت به سختی می‌تواند این اعتماد را بازسازی کند. در چنین شرایطی به دلیل فساد که به وجود می‌آید دولت مجبور است اهداف مورد نظر خود را با هزینه‌های گزاف پی‌گیری کند. به‌ویژه این که اگر در درون دولت افراد و گروه‌ها به دنبال کسب منافع خود باشند در صورت وجود سرمایه اجتماعی، می‌توانند با تخریب آن به منافع بسیار بالایی دست یابند اما بعد از تخریب آن، منافع حاصل از تخریب سرمایه اجتماعی، سیر نزولی خواهد یافت. البته توجه شود که در یک جامعه سنتی که دارای شیوه تولید سنتی است سرمایه اجتماعی بالایی وجود دارد که متناسب با این شیوه تولید است. اما وقتی شیوه تولید تغییر می‌کند و روابط پیچیده‌تر می‌شود، این سرمایه اجتماعی با نیازهای جدید تناسب ندارد و می‌تواند موجب کندی رشد شود.

همان‌طور که اشاره شد در اینجا از دو معیار برای عملکرد اقتصادی استفاده می‌کنیم که یکی رشد اقتصادی و دیگری سرمایه‌گذاری خصوصی است. برای تبیین رشد اقتصادی از یک تابع تولید استفاده می‌کنیم که در آن تولید ملی (Y) تابعی از نیروی کار (L) و سرمایه فیزیکی (K) و همچنین سرمایه اجتماعی (S) است:

$$Y = f(L, K, S) \quad (1)$$

اما چون اطلاعاتی راجع به سرمایه اجتماعی وجود ندارد، به جای آن از میزان جرایم و تخلفات که کاهش سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد استفاده خواهد شد. همان‌طور که در بخش (۳) استدلال شد از چک‌های بلامحل سرانه به‌عنوان شاخص کاهش سرمایه اجتماعی (DSC) استفاده خواهد شد که انتظار می‌رود اثر آن بر تولید ملی منفی باشد. از طرف دیگر نرخ رشد تولید سرانه (GYC) به‌صورت زیر برآورد خواهد شد:

$$GYC = a_0 + a_1GL + a_2GK + a_3GDSC \quad (2)$$

G بیانگر نرخ رشد هر یک از متغیرها است. هم‌چنین پسماند رشد (E) را که بیانگر آن قسمت از رشد تولید ملی است که توسط عوامل تولید کار و سرمایه قابل تبیین نیست، محاسبه کرده و رابطه آن را با نرخ کاهش سرمایه اجتماعی بررسی می‌کنیم:

$$E = \beta_0 + \beta_1GDSC \quad (3)$$

انتظار بر این است که β_1 منفی باشد. از طرف دیگر سرمایه‌گذاری سرانه خصوصی (Q) را به‌صورت تابعی از متغیرهایی مانند تولید سرانه (YC)، نرخ بهره حقیقی (RR)، و نرخ کاهش سرمایه اجتماعی (GDSC) در نظر می‌گیریم:

$$Q = \gamma_0 + \gamma_1YC + \gamma_2RR + \gamma_3GDSC \quad (4)$$

در اینجا نیز انتظار بر این است که ضریب γ_3 منفی باشد.

۵- سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: مطالعه موردی ایران

در این قسمت با استفاده از مباحث بخش (۳) و (۴) رابطه کاهش سرمایه اجتماعی با عملکرد اقتصادی را در ایران بررسی می‌کنیم. متغیرهایی که در اینجا مورد استفاده‌اند عبارتند از:

Y: تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

YC: تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

YNO: تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

YNOC: تولید ناخالص داخلی سرانه بدون نفت به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

I: سرمایه‌گذاری کل به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

IP: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

IPM: سرمایه‌گذاری خصوصی در ماشین‌آلات و لوازم کسب‌وکار به قیمت ثابت ۱۳۷۶

IPC: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

Q: سرمایه‌گذاری سرانه بخش خصوصی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

L: نیروی کار شاغل

K: موجودی سرمایه

DSC: شاخص کاهش سرمایه اجتماعی که معادل با پرونده‌های بررسی شده در رابطه با

چک‌های بلامحل به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت است.

POP: جمعیت کشور

همان‌طور که در بخش (۴) اشاره شد، برای بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصادی از دو معیار استفاده می‌کنیم که یکی نرخ رشد اقتصادی و دیگری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است. داده‌های مربوط به این متغیرهای مورد استفاده از حساب‌های ملی بانک مرکزی ۷۹-۱۳۳۸ است که همگی بر حسب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۹ هستند. آمار موجودی سرمایه و اشتغال از آمین، نهایوندی و صفاری‌پور (۱۳۷۷) است که سال‌های ۷۹-۱۳۷۵ به آن اضافه شده است. همچنین شاخص کاهش سرمایه اجتماعی که شرح آن در بخش (۴) رفت، بیانگر تعداد پرونده چک‌های بلامحل سرانه است که از سالنامه آماری و گزارش عملکرد قوه قضاییه برای سال‌های مختلف استخراج شده است. ابتدا به منظور یک بررسی اجمالی راجع به ارتباط نرخ کاهش سرمایه اجتماعی (GSDC) با متغیرهای مورد نظر، ضرایب همبستگی آنها را بررسی می‌کنیم که نتایج آن در جدول (۴) خلاصه شده است.

ضرایب همبستگی در جدول (۴) نشان می‌دهد که نرخ کاهش سرمایه اجتماعی با اغلب متغیرهای مورد بررسی رابطه منفی و معنی‌دار دارد. به‌ویژه رابطه بین نرخ کاهش سرمایه اجتماعی و نرخ‌های رشد اقتصادی منفی و کاملاً معنی‌دار است به گونه‌ای که در سطح ۱ درصد معنادارند. همچنین ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین سرمایه‌گذاری خصوصی و نرخ کاهش سرمایه اجتماعی نیز یک رابطه کاملاً منفی و معنی‌دار است. از طرف دیگر بین شاخص کاهش سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات رابطه منفی و معنی‌دار ولی با سرمایه‌گذاری در ساختمان رابطه مثبت دارد که از نظر آماری معنی‌دار نیست.

جدول ۴- ضریب همبستگی نرخ کاهش شاخص کاهش سرمایه اجتماعی (GDSC) و متغیرهای اقتصادی (دوره ۷۹-۱۳۵۰)

-۰/۴۹۹ (۲/۹۹)	نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات به تولید ناخالص داخلی بدون نفت IPM YNO
۰/۱۱۹** (۰/۶۲)	نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان به تولید ناخالص داخلی بدون نفت IPC YNO
-۰/۳۱۷* (۱/۷۴)	سرمايه‌گذاري سرانه بخش خصوصي Q
-۰/۴۲۹ (۲/۴۷)	نرخ رشد سرمايه‌گذاري سرانه بخش خصوصي GQ
-۰/۴۱۸ (۲/۳۹)	نرخ رشد سرمايه‌گذاري بخش خصوصي GIP
-۰/۵۲۶ (۳/۲۱)	توليد ناخالص سرانه YC
-۰/۵۰۰ (۳/۰۰)	نرخ رشد توليد ناخالص داخلي GY
-۰/۵۲۸ (۳/۲۳)	نرخ رشد توليد ناخالص داخلي سرانه GYC
-۰/۵۵۱ (۳/۴۳)	نرخ رشد توليد ناخالص داخلي بدون نفت GYNO
-۰/۵۸۷ (۳/۷۷)	نرخ رشد توليد ناخالص داخلي سرانه بدون نفت GYNOC

* معنی‌دار در سطح ۱۰ درصد

** معنی‌دار نیست.

تأثیر کاهش سرمایه اجتماعی (SDC) بر سرمایه‌گذاری سرانه بخش خصوصی (Q) در معادلات زیر برآورد شده است:

$$Q_t = -0.610 + 0.302YNO_{t-1} - 0.0033RR_t - 0.0179DSC \quad (5)$$

$$(-3.22) \quad (6.23) \quad (-1.52) \quad (-2.41)$$

$$R^2 = 0.692 \quad DW = 1.77 \quad F = 13.5$$

$$Q_t = -0.898 + 0.3808YNO_{t-1} - 0.0044RR_t - 0.0226DSC_t + 0.3019D_1 \quad (6)$$

$$(-7.5) \quad (12.5) \quad (-1.97) \quad (-2.94) \quad (6.58)$$

$$R^2 = 0.884 \quad DW = 2.17 \quad F = 35.2$$

$$Q_t = -1.0759 + 0.4304YNO_{t-1} - 0.0051RR_t - 0.0264DSC_t + 1.02769D_1 * DSC \quad (7)$$

$$(-7.5) \quad (12.6) \quad (-1.99) \quad (-3.12) \quad (5.51)$$

$$R^2 = 0.859 \quad DW = 2.12 \quad F = 28.04$$

در این معادلات YNO تولید سرانه بدون نفت، RR نرخ بهره حقیقی (نرخ سود بانکی منهای نرخ تورم)، DSC شاخص کاهش سرمایه اجتماعی و G نرخ رشد هر متغیر را نشان می‌دهد. معادله (۵) برای دوره ۱۳۵۸-۷۹ و معادلات (۶) و (۷) برای دوره ۱۳۵۱-۷۹ همراه با AR(1) برآورد شده‌اند. D1 متغیر مجازی است که مقدار آن برای سال‌های قبل از انقلاب برابر با ۱ و برای بقیه سال‌ها برابر با ۰ است. در همه این معادلات تأثیر کاهش سرمایه اجتماعی بر سرمایه‌گذاری سرانه بخش خصوصی، منفی و معنی‌دار است. معادله (۷) بیانگر این است که ضریب سرمایه اجتماعی برای سال‌های قبل از انقلاب مثبت و برابر با $1/0.12 = 0.264 - 0.276$ و برای سال‌های بعد از انقلاب برابر با -0.246 است. شاید بتوان این نتیجه را بدین صورت تبیین کرد که چنانچه قبلاً اشاره شد، در ابتدای کاهش سرمایه اجتماعی که هنوز آثار زیانبار آن مشهود نیست گروه‌هایی از جامعه به‌ویژه دولت می‌تواند از تخریب آن سود ببرند ولی بعد از مرحله‌ای، آثار منفی آن غلبه می‌کند و موجب کاهش منافع می‌شود.

برای بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی معادلات زیر برای دوره ۱۳۵۱-۷۹ برآورد شده‌اند:

$$\text{Log}(YNO_t) = -1.072 + 1.245\text{Log}(L_t) + 0.1622\text{Log}(K_t) - 0.051\text{Log}(DSC_t) \quad (8)$$

(-0.98) (8.99) (2.25) (-2.66)

$$R^2 = 0.991 \quad DW = 1.77 \quad F = 636$$

$$GYNO_t = 2.4407 + 1.196GL_t + 0.1857GK_t - 0.1305GDSC_t \quad (9)$$

(2.09) (6.68) (2.01) (-3.03)

$$R^2 = 0.806 \quad DW = 1.69 \quad F = 34.7$$

معادله (۸) تابع تولید از نوع کاب-داگلاس را نشان می‌دهد که طبق آن تولید ناخالص داخلی بدون نفت (YNO) تابعی از نیروی کار (L)، سرمایه (K) و شاخص کاهش سرمایه اجتماعی (DSC) است. علامت ضرایب برآوردی کاملاً مطابق انتظار بوده و از نظر آماری کاملاً معنی‌دار هستند. معادله (۹) نیز مشابه معادله (۸) است که بر اساس نرخ رشد متغیرها برآورد شده است. توجه شود که G بیانگر نرخ رشد متغیرها است.

برای تبیین نرخ رشد تولید می‌توان بحث را به‌صورت دیگری پی‌گیری کرد. ابتدا نرخ رشد تولید را روی نرخ رشد نیروی کار و سرمایه بررسی می‌کنیم که نتیجه آن به‌صورت معادله (۱۰) است:

$$GYNO_t = 0.052 + 1.2441GL_t + 0.2937GK_t \quad (10)$$

(0.05) (6.07) (3.0)

$$R^2 = 0.705 \quad DW = 1.6 \quad F = 36.05$$

حال از معادله (۱۰) باقیمانده‌های رشد را که توسط عوامل تولید، توضیح داده نمی‌شود محاسبه

کرده و سپس این باقیمانده‌ها (E_t) را روی نرخ کاهش سرمایه اجتماعی (GDSC) بررسی می‌کنیم که نتیجه آن عبارت است از:

$$E_t = 1.3489 - 0.1042GDSC_t \quad (11)$$

$$(1.58) \quad (-2.73)$$

$$R^2 = 0.215 \quad DW = 1.77 \quad F = 7.4$$

معادله (۱۱) نشان می‌دهد که باقیمانده یا پسماند رشد رابطه منفی و معنی‌داری با نرخ کاهش سرمایه اجتماعی دارد.

هم‌چنین بر اساس رگرسیون مقطعی برای استان‌های کشور در سال ۱۳۷۹ یک رابطه منفی بین کاهش سرمایه اجتماعی و تولید سرانه به‌دست آمد. در این رگرسیون ارزش افزوده سرانه ($\frac{Y}{POP}$) به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهایی مانند نرخ اشتغال (N)، نسبت مساحت زمین‌های زیر کشت به جمعیت به‌عنوان متغیر توضیحی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در اینجا مساحت زمین‌های زیر کشت به جمعیت معنی‌دار نبود و از معادله مورد نظر حذف شد. هم‌چنین به دلیل عدم وجود آمارهای مناسب برای سرمایه اجتماعی از نسبت کل پرونده‌های بررسی شده (X) در مراجع قضایی به جمعیت هر استان (POP) به‌عنوان شاخصی برای کاهش سرمایه اجتماعی استفاده شد.

$$\left(\frac{Y}{POP}\right) = 0.1982N_t - 0.1489\left(\frac{Y}{POP}\right) + 22.605D \quad (12)$$

$$(2.83) \quad (-1.66) \quad (6.06)$$

$$R^2 = 0.615 \quad DW = 2.04 \quad F = 6.7$$

که D یک متغیر مجازی برای استان‌هایی است که دارای تولید سرانه بالاتری نسبت به سایر استان‌ها بوده‌اند مانند استان تهران و خوزستان. X بیانگر تعداد پرونده‌های بررسی شده در مراجع قضایی و POP جمعیت استان را نشان می‌دهد. به‌رحال معادله فوق نیز نشان می‌دهد که رابطه منفی و نسبتاً معنی‌داری بین عملکرد اقتصادی به‌دست می‌آید.

۵- خلاصه و نتیجه‌گیری

سرمایه‌ها عامل مهمی برای رشد اقتصادی هستند که شامل سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی‌اند. سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، سرمایه‌های غیر فیزیکی هستند. سرمایه‌های انسانی معمولاً فردی هستند که شامل توانایی‌ها و مهارت‌های فردی است در حالی که سرمایه اجتماعی بیانگر ساختار اجتماعی و روابط متقابل بین افراد و گروه‌های مختلف است. سرمایه اجتماعی فضایی را برای کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌کند که می‌تواند انجام مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی را تسهیل کرده و با هزینه کمتری آنها را ممکن سازد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که آمار جرایم و تخلفات از رشد نسبتاً بالایی برخوردار بوده است که بیانگر کاهش سرمایه اجتماعی

است. در این مطالعه با استفاده از تعداد چک‌های بلامحل سرانه به‌عنوان شاخصی برای کاهش سرمایه اجتماعی این نتیجه به‌دست آمد که بین کاهش سرمایه اجتماعی و اغلب متغیرهای مربوط به سطح فعالیت‌های اقتصادی رابطه منفی وجود دارد. به گونه‌ای که ضریب همبستگی اغلب متغیرهای اقتصادی و نرخ کاهش سرمایه اجتماعی منفی و معنی‌دار هستند. هم‌چنین تولید سرانه بدون نفت رابطه منفی و کاملاً معنی‌داری با کاهش سرمایه اجتماعی دارد که کشش آن حدود ۰/۰۵- است. از طرف دیگر رابطه منفی و معنی‌داری نیز بین رشد تولید سرانه بدون نفت و نرخ کاهش سرمایه اجتماعی به‌دست آمد که ضریب آن حدود ۰/۱۳- است. هم‌چنین پسماند رشد که بیانگر مقداری از رشد اقتصادی است که توسط عوامل تولید کار و سرمایه تبیین نمی‌شود، رابطه منفی و کاملاً معناداری با کاهش سرمایه اجتماعی دارد.

فهرست منابع

- ۱- امینی، علیرضا، نهایندی، مجید و صفاری‌پور، مسعود، (۱۳۷۷)، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۳۱ و ۳۲.
- ۲- پور موسوی، سید فتح‌الله، (۱۳۸۱)، *جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی*، نشریه راهبرد، شماره ۲۶، زمستان، ص ۱۸۳-۱۵۹.
- ۳- رنانی، محسن، (۱۳۸۱)، *سقوط سرمایه اجتماعی*، نشریه آفتاب، شماره ۱۶، ص ۳۵-۳۶.
- ۴- فوکویاما، فرانسیس، (۱۹۹۷)، *پایان نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن)*، ترجمه غلامعباس توسلی، انتشارات جامعه ایرانیان، تهران ۱۳۷۹.
- 5- Becker, C. S., (1964), *Human Capital*, (NBER Columbia University Press, New York/NY).
- 5- Costa, D. L. and M. E. Kahn, (2001), "Understanding the Decline in Social Capital, 1952-1988", *NBER, Working Paper*.
- 6- Easterly, W. and R. Leveine, (1997), "Africa,s Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions", *Quarterly Journal of Economics*, 112, (4), 1203-1250.
- 7- Glaeser E. , D. Laibson, and B. Sancerdote, (2002), "The Economic Approach to Social Capital", *Economic Journal*, 112, F437.
- 8- Grier, K. B. and Tullock, G., (1989), "An Emprical Analysis of Cross-National Economic Growth:1951-1980", *Journal of Monetary Economics*, 24:259-276
- 9- Grootaert, C. and Van-Bastelaer, (2002), "The Rolr of Social Capital in Dvelopment", Cambridge University Press.
- 10- Guiso, L. and Lui gi zingales, (2001), "The Role of Social Capital in Financial development", *NBER working paper*, No. W7563.
- 11- Hall, R. E. and Jones, C., (1999), "Why Do Some Countries Produce So Much More Output per Worker thon Others?", *Quarterly Journal of Economics*, 114, 1, pp. 83-116.
- 12- Helliwell, J. F., (1996), "Economic Growth and Social Capital in Asia", *NBER working paper*, No. 5470.
- 13- Hong, H. and Jeremy C. Stein, (2001), "Social Interaction and Stock-Market Participation", *NBER working paper*, No. 8358.
- 14- Knack, S. and Keefer, P., (1997), "Does Social Capital have an Economic Pay-off? A Cross Country Investing Ation", *Quarterly Journal of Economics*, 112, 4, pp. 1251-1288.
- 15- Kormendi, R. C. and Meguire, P. C., (1985), "Macroeconomic Determinants of Growth, Cross Country Evidence", *Journal of Monetary Econimics*, 16, pp. 191-163.
- 16- La Porta, R. (1997), "Trust in Large Organizations", *American Economic Association Papers and Proceedings*, 87(2), 333-338.
- 17- North, Douglass, (1990), "Institutions, Institutional Change and Economic Performance", Cambridge University Press.

- 18- Romer, P. M., (1990), "Endogenous Technical Change", *Journal of Political Economy*, 98, pp. 71-102.
- 19- Temple, J., (1999), "The New Growth Evidence", *Journal of Economic Literature* 37: 112-156
- 20- Temple, J. and Johnson, P. A., (1998), "Social Capability and Economic Growth", *Quarterly Journal of Economics*, 113, 3, pp. 965-990.